

و ناپیدا و بی آوا می روید، بالها شکسته است و باد گریسته، پرنده ها اسیرند، رود میان دشت به ریگزار نشسته، گلهای یاس خشکیده اند، مردانی سهمگین دیوارها را ویران می کنند، سروها را می شکنند و فاتحان غرورند. جوی منجمد است، تنهاغولکها میخوانند، آسمان ومهتاب همه در تاریکی مانده اند، کوهها خشک افتاده اند، باد از شهر سیاه دوری می وزد، برگها مرگ آور شده و آنها در خوابند. سنگها سخت، بیدخارایی، یاسها کاغذی، بلبل گاهی (؟)، لاک پشت خاکی، سهره سنگی، و بچه مالالند و مرگ پشت مرگ می آید. (*) در این میانه شاعر در اندیشه «نیلوفر» است که «در اندیشه شرقیان نشانه هستی بی اعتبارست (و باغ سینندارنا نیلوفرستانی بود) و در اندیشه عارفان - که زیبایی مثالی مجازی را نشانه زیبایی ازلی و ابدی می دانستند - مظهری از آن جمال زوال ناپذیر است.» (۱) (*)

۳

بدین ترتیب آزاد میگوید که «من شیفته‌ی این بی اعتبارم»، و راهی سوی عرفان شرقی می‌گشاید و می‌خواهد که شعرش، جدا از سمبولیسمی اجتماعی، حاوی يك سلسله مضامین آنچنانی باشد.

اما خواننده اینجا و آنجا اثر حوادث و هوای شعر سالهای اخیر را در آثار اومی بیند و آزاد بدین ترتیب بین این دو قطب می ماند. شعر او نه آن سمبولیسم اجتماعی را دارد که شعرای سیاسی و اجتماعی پیش از او داشتند و نه می تواند بکلی از آن بگریزد و به یکباره در خدمت آن عرفان شرقی، که کمال مطلوب اوست، در آید.

۴

یکی از خصوصیات ممتاز شعر آزاد زبان سلیس و بی نظیر آن است. بافت کلمات و زیبایی آنها کامل است، لکن وسواس او در بکار بردن «ابزارها» شعری و بخصوص «شکل»، این زیبایی و کمال را می ستاند.

از محمود آزاد تا کنون يك جزوه‌ی كوچك بنام «دیارشب» با مقدمه‌ای از احمد شاملو (۱)، و کتاب «قصیده‌ی بلند باد»، مخصوص اشعار سالهای ۳-۱۳۴۲ او (۲)، و «آئینه‌ها تهیست»، شامل بقیه‌ی آثار او (۳) بی‌چاپ رسیده است.

کتاب «قصیده‌ی بلند باد» نشان دهنده‌ی کوششهای شکل گرفته‌ی آزاد است در مکتب «ابزار گرایان» و از دو بخش تشکیل شده است، بخش اول بهمان نام کتاب و بخش دوم بنام «دیدارها». و «دیدارها» خود به سه قسمت تقسیم میشود: «دیدارها»، «چهره‌ها» و «چشم اندازها».

۲

محمود آزاد در این کتاب سخن از «باغی» میگوید که در آن خورشید تنها

۱ - م. آزاد - دیارشب - ۱۳۳۴ - با مقدمه‌ای از «ا. بامداد» بنام «موضوع مسئولیت و مأموریت».

۲ - م. آزاد - قصیده‌ی بلند باد و دیدارها - انتشارات مروارید - ۱۳۴۵

۳ - م. آزاد - آئینه‌ها تهیست - انتشارات جوانه - بهار ۱۳۴۶.

«باغ نیلوفری» اورا ما باید از روزنهی این اشعار به بینیم و این تماشا بس سخت و خسته کننده است. شکل شعر، اگر بصورت طبیعی و آلی (ارگانیک) و وابسته به محتوی و برای یاری آن در ارائه‌ی بهتر بوجود نیاید، چیزی منتزع بوده و در نتیجه علت وجودی خود را از دست می‌دهد.

آزاد آنچه‌ان به ابزار کار اندیشیده و در ایجاد صور مختلف شکل کوشیده که شعرش از حیات عاری شده است. شکل شعر آزاد بجای آنکه لباسی شایسته برای محتوی باشد، کفن زیبایی است که بر تن یک مرده کرده باشند. وسواس او در بکار بردن ابزار و شکل آنچه‌ان است که آن حالت خود بخود شاعرانه را از شعر اومی گیرد.

⑤

آزاد یک شاعر «رمانتیک» است و هنوز به «حال» می‌اندیشد. و الحق هنگامیکه خود را از قید آن وسواس همیشگی رها می‌کند، شعرش حالی دارد. او همواره در جستجو بوده است، اما حوصله‌ی ماندن و تجربه‌ی متمادی را ندارد. جوینده ایست نشسته بر مرکبی باد پیماکه فقط یک لحظه در جایی دیده میشود.

حیرانی او تنها در مورد ابزار و شکل شعر نیست. اندیشه‌ی او همواره در حال تغییر (یا تکامل؟) است و همیشه از این و آن تأثیر پذیرفته است و آزاد در این میان نه نقش تعدیل دهنده و کنترل کننده‌ی همه‌ی این تأثیرات را (از شاملو گرفته تا ازراپانند) ایفا کرده است.

⑥

نگاهی به کتاب «قصیده‌ی بلند باد» نظر ما را تأیید می‌کند و تنوع کار او روشن میشود:

مرا به آتش بسیار - ای پرنده‌ی سرخ
که در کویر صداهای دور می‌نگری

و در نگاه تو گلهای یاس می خشکند. (۱)

و : باد و باران و گیاهی که تویی بر لب جوی
همه از کوچه مرا می خوانند
من از این بارانها - می دانم - خانه ویران خواهد شد
ویران ! (۲)

و : کوچه ای سرخ دیدم
که زیباترین کودکان
در بهار هراسان آن کوچه خفتند
(بازنانی که تاروز دیگر
کودکان را پرستار بودند.) (۳)

و : بی گمان تولدی وجود داشت
بی گمان
بی گمان درخت دیرتر

باد درخت پیرتر، میان ریشه هایشان
هزار حرف بود. (۴)

و : بید خارا بی
سرو سنگی را میان باد می خواند
یاسهای کاغذی در باد می ریزد.
غنچه‌ی مهتاب می ترکد

(درون غنچه فریاد است.) (۵)

۱- همان کتاب - شعر «برهن سکوت بیاموز» - ص ۱۰۱

۲- شعر «یاسها منتظرند» - ص ۳۵

۳- شعر «دیدارها - یک» - ص ۴۲

۴- شعر «دیدارها - چهار (۲)» - ص ۴۹

۵- شعر «مرگ تا کستان» - ص ۸۴

و :

من چهره های زیبایی دیدم، از مردگان پاك
در آب ها شناور .
در آب های دور شناور
من دیدم شکوه تماشا را در چشمهای تو
وقتی که پای آینه می آرای
گل‌های گیسوانت را . (۱)

۷

کار آزاد از ابتدا دارای دو خصیصه بوده که هنوز هم تغییری نکرده اند .
«**احمدشاملو** در مقدمه‌ی اولین کتاب آزاد این خصایص را بر می‌شمارد :
» در این اشعار تلاش هست ، اما **مسئولیت** در مقابل مخاطب
فراشوش شده است .» (۲)

ویازده سال بعد منوچهر آتشی و خود او در این دو مورد سخن می‌گویند .
آتشی می‌گوید :

«خوب خاطر م هست که آزاد خیلی پر شور بود و خیلی علاقمند .
اصولاً آزاد رامن همیشه در حال جستجو دیده‌ام . جستجوی او بحدی بود که
گاه بصورت هذیان درمی آمد . همیشه از کار خود ناراضی بود . همیشه داش
میخواست يك شیوه‌ی دیگر ، يك راه دیگر پیدا کند و جهش دیگر بکند و من
تصور می‌کردم که او بیش از همه بشواند وجود داشته باشد و کارش گرفته
باشد . اما خوب الان هم وجود دارد و شعرهای قشنگی هم می‌گوید ، اما آن
انتظاری که از او داشتم بر آورده نشده است . یعنی هنوز هم در يك حالت هذیان و
بلا تکلیفی بسر می‌برد . باید باو البته امیدوار بود ، چون عمری نکرده و پائین
نرفته است . شاعر آگاه‌هست ، واقعاً باسواد است ، میدانند چه کند ، مرتب
جستجو می‌کند . بنظر من آزاد بیش از آنکه یاد بگیرد برای دیگران مفید
بوده است .» (۳) (*)

۱- شعر «تماشای مرداب غازیان» - ص ۵۵

۲- احمد شاملو - مقدمه‌ی کتاب دیار شب - ص (ط)

۳- از مصاحبه با منوچهر آتشی - وسیله‌ی بهرام اردبیلی ، بیژن کلکی ،

و اسماعیل نوری علاء - مجله‌ی خوشه - شماره‌ی ۵۴۹ - شهریور ۱۳۳۵

و خود آزاد می‌نویسد :

«غزل خدا حافظی این طبیعت بازی را باید خواند - که خواندم . برشت
راست می‌گوید که «در این زمانه از درختان سخن گفتن جنایتی ست» که «نان
نیروی شگفت رسالت از یاد برده است» . بی‌شهادتی آدمی ست که زیر این آفتاب
بی‌عدالتی ها را نمی‌بیند و کم کم کنج عزلت می‌گزیند و ناگهان از محافل
بسیار بسیار ظریف سردر می‌آورد .» (۱)

مطالب این فصل قسمت‌هایی ست از :

«بررسی قصیده‌ی بلند باد و دیدارها» - از اسماعیل نوری علاء - مجله‌ی
بامشاد - شماره‌ی ۱۲ - دیماه ۱۳۴۵

☆ - **صفحه‌ی ۲۵۳ - حاشیه‌ی اول :** محمود آزاد از

نخستین کسانی ست که همراه با فروغ فرخزاد از شعر احمد رضا احمدی متأثر
میشود ، لکن در این تأثر هرگز گرایش بسوی «موج نوی شعر» دیده نمی‌شود ،
بلکه عناصری که در این نوع شعر مطرح است بخدمت شعر نوی نیمائی در
می‌آید .

☆ - **صفحه‌ی ۲۵۳ - حاشیه‌ی دوم :** در این مورد نیز تأثیر

سهراب سپهری بر شعر محمود آزاد مشهور است .

☆ - **صفحه‌ی ۲۵۶ :** این جویندگی یکی از خصائص مهم شعر

محمود آزاد و شخصیت شعری اوست ، در این مورد تنها می‌توان از سپهری و
فرخزاد نیز یاد کرد . برای آشنائی بیشتر با این خصلت شعر فرخزاد رجوع
کنید به :

مصاحبه‌ی رادیویی پخش نشده‌ی احمد شاملو با اسماعیل نوری علاء -

چاپ شده در مجله‌ی فردوسی - شماره‌ی ۸۴۸ - اسفند ۱۳۴۷ .